

متن پرسش

با سلام استاد بزرگوار در بحث برهان صدیقین این سوال برایم پیش آمده : ۱- قاعده بدیهی کل ما بالعرض لا بد این می فرماید اگر چیزی صفتی داشته باشد که ذاتی اش نباشد اون صفت باید به چیزی برگردد که ذاتی‌ش مثلاً آب اگر شوره چون این شوری اش ذاتی‌ش نیست پس باید به نمک برگردد که ذاتی‌ش سوال اینجاست که ما چون می دانستیم آب در اصل خالص و شیرین است فهمیدیم که شوری ذاتی اش نیست ولی در خصوص وجودات این تشخیص چگونه است یعنی از کجا باید فهمید که این وجود ذاتی اش است یا نیست که بعد بخواهیم وصلش کنیم به عین وجود . ضمناً می فرمایید منظرتان را عوض کنید صحیح متوجه نمی شویم اگر منظورتان حضوری کردن مباحث است چگونه باید انجام داد. با تشکر فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: در کتاب بحث شد که تنها وجود، ذاتی است که عین وجود است و عین وجود صفات خاص خود را دارد، پس هرچیزی که آن صفات را ندارد، عین وجود نیست و به عین وجود ختم می‌شود. عبور از کثرت و ماهیت به وحدت کار می‌برد سعی کنید کثرت‌ها را به وحدت ارجاع دهید. موفق باشید